**بررسی معنا و ترجمه واژه «عالمین» در محضر استاد**

**مجاهدیان، سید مجتبی**

سپاس و ستایش خدا را سزاست‏ که رب سموات و ارض آن خداست‏ خدایی که کل جهان زان اوست‏ سراسر جهانها به فرمان اوست‏1

اگر به گزارش اسلاف ارجمند قرآن‏پژوهی که پیشینه ترجمه‏ کلام الله مجید را به دوران نزول و در حضور پیامبر اسلام(ص) می‏دانند2وقعی ننهیم و به نشانه‏های دال بر انجام کهن‏ترین‏ ترجمه آیات قرآنی توسط سلمان فارسی‏3به دیده تردید4 بنگریم و بر مناقشات گسترده فرق مختلف اسلامی در جواز و عدم جواز5ترجمه آیات الهی به تسامح بگذریم،دیگر از این‏ نکته نمی‏توان به تساهل و اغماض گذشت که ترجمه متن آیین‏ و عین آموزه‏های ناب و اصیل دینی که داعیه جهانی داشته‏ و راهنمایی بشریت سرگردان در تیه ضلالت به وادی نور را مأموریت خوش دانسته،به زبان مخاطبان مختلف خود در دیگر اقوام و ملل،امری ضروری و بل بدیهی است. «اگرچه قرآن«من عند الله»بوده و اختلافی در آن نیست، اما ترجمه آن«من عند غیر الله»است و لذا بدیهی می‏نماید که‏ اختلافاتی یدر ترجمه الفاظ الهی صورت گیرد:و لو کان من‏ عند غیر الله لوجدوا فیه اختلافا کثیرا(نساء/82)هرچند که با همتی همگانی می‏توان درصد این اختلافات و نوسانات‏ ترجمه‏ای را تقلیل داد6.»

باری این کمترین بر این عقیده بوده و هست که لازم است‏ ترجمه‏ای جمعی،استوار و قانونمند زیر نظر گروهی از محققان‏ علوم قرآنی(تفسیر،قرائات،اسباب نزول،ناسخ و منسوخ‏ و...)و متخصصان زبان عربی و فراسی(لغت،صرف،نحو، اشتقاق و...)و عالمان علوم دینی(کلام،فقه،حدیث،اصول‏ فقه و...)و حتی دانشمندان علوم اجتماعی و تاریخی با یاری‏ دولت برای فارسی زبانان فراهم گردد تا علاقه‏مندان را از اضطراب و دو دلی در میان ده‏ها ترجمه پرنوسان و مختلف‏ رهایی بخشید7.

اگرچه هرگز نمی‏توان خدمات مترجمان ارجمند متقدم و متأخر را نادیده انگاشت و ماحصل سالها زحمات ایشان را بی‏فایده پنداشت،اما محققان محترم نیک مستحضرند که‏ استمرار در نقادی علمی ترجمه‏ها موجب تعالی و تکامل‏ تدریجی امر مهم ترجمه است و امید آنکه بدن وسیله اختلافات‏ در ترجمه‏ها-و هرچند اندک-به وجه احسن و واحد تبدیل‏ گردند و بر این باور وظیفه خود دانستم تا محصول مذاکرات‏ و مصاحبات خود را در محضر مفسر بزرگ و قرآن پژوه‏ سترگ معاصر حضرت استاد کمالی دزفولی در معنا و ترجمه‏ کلمه«عالمین»بالاخص در ترکیب«رب العالمین»به منظر و مرآی اهل نظر قدیم دارم و در ابتدا خدا را بر این توفیق‏ سپاس گفته و از درگاهش بر قصور و لغزش‏های محتمل‏ استغفار می‏طلبم.

ملخص کلام آن است که معادل فارسی غالب کاربردهای‏ کلمه«عالمین»در قران«جهانها»،«عالمها»و یا معادلی هم‏ معنای آن دو است،و البته با قرائن موجود در بعض آیات، معنای«جهانیان»یا«عالمیان»یا معادل معنایی این دو نیز برای کلمه پیش گفته مسلم است.لذا می‏توان چنین ادعا کرد که از مجموع 73 بار کاربرد واژه فوق الذکر در قرآن،قریب‏ به 40 مورد آن در معنای«جهانها»و اغلب باقی موارد با قیود و قرائن موجود در آیات در معنای«جهانیان»به کار رفته‏ هرچند که می‏توان نمونه‏هایی را یافت که در هردو معنا قابل ترجمه‏اند و قدر مسلم اگر در منای مطلق«جهانها»ترجمه‏ شوند،بی‏گمان معنای«جهانیان»را نیز افاده می‏دهد.

و اما دلائل ما در اثبات ادعیا فوق از سه منظر قابل ارائه‏اند: ساختارلغوی،ادله قرآنی و شواهد روایی

الف)ساختار لغوی

به روشنی نمایان است که«عالم»به معنای جهان(نه‏ جهانی)،اسم جمع است،چنانکه طبرسی در مجمع البیان و قبل از او شیخ الطائفه در تبیان می‏فرمایند:«عالم جمع است‏ و از لفظ خود مفرد ندارد مثل نفر و جیش...»8و به نظر می‏آید که جمع آن برای افاده کثرت است و الا وجهی بر جمع آن‏ نبود9و لذا«عالمین»لاحق بر جمع مذکر سالم است که بالطبع‏ معنای مطلق«جهانها»یا«عالمها»2-و البته آنچه در میان‏ آنهاست-معنا می‏دهد.بدیهی است بدین سهولت و روشنی‏ ترجمه نمودن«عالمین»نباید هیچگونه منافاتی با اقوال بزرگان‏ اهل لغت و فرهنگ نویس ما اعم از فیروزآبادی در قاموس، راغب اصفهانی در مفردات،ابن منظور در لسان العرب و طریحی در مجمع البحرین داشته باشد بلکه این نکته شایسته‏ ذکر است که نباید چنان بی‏مهابا از اقوال متقدمان‏ فرهنگ‏نویس استنباطاتی نموده و احکامی قطعی صادر کرده که باری«عالمین»به معنای«ما فی العالم»یا«من فی‏ العالم»است‏10،که با نظر به الف و لام مندرج در«العالم»، لاجرم تفصیل جمله سابق الذکر«ما فی هذا العالم و من فی‏ هذا العالم»خواهد بود.

آری!بی‏گمان جناب جلال الدین فارسی در این باب افراط نموده که مدعی است«عالمین»در همه جای قرآن در معنای‏ «جهانها»ست و می‏بایست به ترکیب نه چندان زیبای«عالم‏های‏ آفریدگان»ترجمه گردد،آن هم بنا بر توجیهی بی‏وجه و بی‏سابقه که مخالف با اقوال لغویان و مفسران بنام است؛ آنجا که در مقدمه ترجمه خود از قرآن گوید:«...چنان که‏ همگی تا به امروز،«العالمون»را در جمله«...رب العالمین»به‏ «جهانیان»ترجمه کرده‏اند،حال آنکه این کلمه ترجمه‏ «العالمیون»است»11!!هرچند بنا بر اشارات استاد خرمشاهی‏12جناب فارسی در برخی موارد به سادگی از ادعای‏ اولیه خود دست کشیده و به راحتی آن را به دست فراموشی‏ سپرده و کلمه مورد نظر منظوره را در معنای«جهانیان»و معادل معنایی آن ترجمه نموده است،اما از دیگر سو نیز به‏ نظر می‏رسد که قاطبه بزرگوار اهل ترجمه از طبری،میبدی‏ و پس از او تا آیتی،خواجوی،فولادوند،خرمشاهی،مکارم و بزرگان دیگر متأخر نیز تفریط می‏کنند که همه جا و بدون‏ استثناء واژه پیشگفته قرآنی را در معنای«جهانیان»ترجمه‏ می‏نمایند،چنانچه استاد بهاء الدین خرمشاهی می‏نویسد:«... تمایم کاربردهای«عالمین»در قرآن مجید،اطلاق به ذو الارواح، یعنی جهانیان،نه جهانها و عالمها13[دارد.]»که قائل محترم‏ با این بیان صریح باید بپذیرند که غیر ذی الارواح از ساحت‏ قدس ربوبی و روحمت الهی خارجند!!و حال آنکه نص بین‏ خداوند است؛«رحمتی وسعت کل شی»(اعراف/156).

آنگونه که در مطلع این مقال به قلم آمد،دیگر بار نیز تأکید می‏شود که به حقیقت می‏توان در این بین به حد وسطی قائل‏ بود و بیان داشت که از مجموع 73 بار کاربرد«عالمین»در قرآن قریب به 40 مورد آن-که به اطلاق و بی‏هیچ قرینه‏ای‏ آمده‏اند-در معنای«جهانها»مانند:«قال فرعون و ما رب العالمین،قال رب السموات و الارض و ما بینها ان کنتم‏ موقنین»(شعراء/23 و 24)

و اغلب مابقی موارد با وجود قرائن موجود در آن آیات اعم‏ از قرائن هدایت،انذار،انعام و...در معنای«جهانیان»آمده؛ مانند:«ان اول بیت وضع للناس للذی ببکة مبارکا و هدی‏ للعالمین»(آل عمران/69)،اگرچه می‏توان مواردی را سراغ‏ گرفت که در هردو معنا قابل ترجمه باشند و قدر مسلم اگر در معنای مطلق«جهانها»ترجمه گردند،بی‏گمان معنای‏ «جهانیان»را نیز افاده می‏دهند،زیرا نسبت منطقی«جهانها» و«جهانیان»نسبت عموم و خصوص مطلق است نه تباین. قرآن کریم«رب العالمین»را در سوره حمد به پروردگار همه نظام‏ گسترده کیهانی و انسانی معنا کرده است و به تعبیر دیگر هرجا قلمرو رحمت خداست،مشمول«عالمین»است و چون رحمت خدا همه‏ اشیاء را دربر دارد:

«رحمتی وسعت کل شی»

(اعراف/156).مراد از عالمین،سراسر نظام امکانی است.

ب)ادله قرآنی

در بسیاری موارد قرآنی ترجمه«عالمین»به«جهانیان» دورتر است از«جهانها»،و به مضمون«القرآن یفسر بعضه‏ بعضا»چند ادله قرآنی را در این باب به اختصار یادآور می‏شویم:

1-خداوند معنی«عالمین»را از زبان موسی در سوره شعراء و در جواب مای شارحه آورده آنجا که می‏فرماید:

«قال فرعون‏ و ما رب العالمین؟قال رب السموات و الارض و ما بینهما ان‏ کنتم موقنین»

(شعراء/23 و 24)یعنی پروردگار جهانهای‏ آسمانها و زمین است و آنچه ما بین آنهاست نه پروردگار منحصر«جهانیان»و یا به تعبیری خاص‏تر پروردگار ما فی‏ هذا العالم و من فی هذا العالم.هرچند کلمه«عالمین»در قرآن‏ در معنای جهانیان و بلکه خصوص آدمیان و جوامع انسانی‏ نیز می‏آید اما می‏توان موارد بیشتری را یافت که«به معنای‏ همه عوالم امکانی است‏[که دیگر بار نمونه یاد شده قبلی را به دقت مرور می‏کنیم‏]؛قال فرعون و ما رب العالمین،

قال‏ رب السموات و الارض و ما بینهما...ربکم و رب ابائکم‏ الاولین،...رب المشرق و المغرب و ما بینهما ان کنتم تعقلون‏14»

(شعراء/23 تا 28).

2-در سوره جاثیه باز خداوند مراد از آن را به روشنی‏ نمایان می‏کند؛

«فلله الحمد رب السموات و رب الارض‏ رب العالمین»

(جاثیه/36)که مرحوم مهدی الهی قمشه‏ای در ترجمه مشهور و البته پر قصور خود از قرآن برخلاف انتظار لفظ سابق الذکر را در آیه فوق به دقت ترجمه کردند:«باری‏ ستایش و سپاس مخصوص خداست که به یکتایی آفریننده‏ آسمان‏ها و زمین و همه جهان‏های بی‏نهایت است‏15»و نیز جناب امید مجد در ترجمه منظوم خود از قرآن کلمه مذکور در آیه فوق را به درستی ترجمه نموده است.

سپاس ستایش خدا را سزاست‏ که رب سموات و ارض آن خداست‏ «خدایی که کل جهان زان اوست‏ سراسر جهانها به فرمان اوست

3-قرآن کریم«رب العالمین»را در سوره حمد به«پروردگار همه نظام گسترده کیهانی و انسانی معنا کرده است و به‏ تعبیر دیگر هرجا قلمرو رحمت خداست،مشمول«عالمین» است و چون رحمت خدا همه اشیاء را دربر دارد:

«رحمتی‏ وسعت کل شی»

(اعراف/156).مراد از عالمین،سراسر نظام‏ امکانی است 17.با ملاحظه این سوره و بعض آیات سور دیگر، می‏توان چنین برداشت کرد که گسترده رحمت و نعمت خدا محدود به این جهان و آنچه در اوست نمی‏باشد بلکه او راست‏ عوالمی بی‏شمار و از آن جمله عالم جزا؛

«مالک یوم الدین»

(حمد/4)که البته پهنه ربوبیت(تدبیر و تربیت)الهی به آخرت‏ هم رسیده:«و له الحمد فی الاخرة 18»(سبأ/1)،پس در مفتتح‏ قرآن و سبع المثانی که در حقیقت نمونه کل معارف الهی و عصاره آموزه‏های قرآنی است ترجمه و«عالمین»به«جهانیان» برای بیان عظمت خلقت،بسیار ناچیز و کوچک است.

4-وسعت عوالم خلقت با ملاحظه«لموسعون»در

«و السماء بنیناها باید و انا لموسعون»

(ذاریات/47)قابل احصاء و شمارش‏ و حتی تصور نیست.

لازم به ذکر است که هرچند مفسر حکیم آیة الله جوادی‏ آملی در تفسیر قویم«تسنیم»در ذیل آیه 2 دوم از سوره حمد ابتدائا می‏نویسد:«مراد از کلمه«عالیمن»در آیه حمد همه نظام‏ هستی امکانی است،نه خصوص جوامع انسانی که با قرینه‏ هدایت یا انذار در آیه 96 سوره آل عمران و آیه اول سوره‏ فرقان اراده شده است؛ازاین‏رو معادل فارسی«عالمین»، «جهانها»است،نه«جهانیان»19،اما در ادامه با ارائه تذکری‏ یادآور می‏شوند که کلمه«جهانها»نیز نمی‏تواند معادل فارسی‏ مناسبی برای«عالمین»باشد؛چرا که«جهان به معنای«جهنده» است و اطلاق آن بر عالم بر اثر اشتمال عالم بر حرکت و جهش‏ است و ازاین‏رو باید گفت اطلاق واژه«جهان»بر عوالمی که‏ در آن نشانی از حرکت و جهش نیست،نادرس است‏20»در این باره استاد ما فقیه الاسلام کمالی دزفولی همچنان بر تناسب معادل فارسی«جهانها»برای واژه«عالمین»تأکید ورزیده و در جواب قول پیشگفته فرمودند:اولا حرکتی به شتاب و جهشی به قدرت تسبیح ذات اقدس اله نیست و هیچ عالمی فارغ از این تسبیح نمی‏باشد؛

«...و ان من ی‏ الا یسبح بحمده،و لکن لا تفقهون تسبیحهم...»

(اسراء/44).

ثانیا بر فض صحت قول مذکور،اطلاق کلمه«جهان»بر «عالم»از باب منقول بوده که از وضع اولی خود به اندک‏ تناسبی به معنای دیگر نقل شده،چنانکه می‏توان گفت معنای‏ اولی آن چنان متروک گردیده که دیگر به ذهن خطور نمی‏کند.

ج)شواهد روایی

حویزی-صاحب تفسیر«نور الثقلین»-در ذیل سوره فاتحه‏ الکتاب دو حدیث قابل تأمل آورده که شواهد،مدعای ما هستند: 1-«و عن ابی جعفر(ع)حدیث طویل و فیه:لعلک تری ان الله‏ انما خلق هذا العالم الواحد او تری ان الله لم یخلق غیرکم؟بلی‏ و الله لقد خلق الف الف عالم و الف الف آدم،انت فی آخر تلک‏ العوالم و اولئک الادسین.21».

2-«و باسناده الی العباد بن عبد الخالق عمن حدثه عن ابی‏ عبد الله(ع)قال:ان لله عز و جل اثنی‏عشر الف عالم کل عالم‏ منهم اکبر من سبع سموات و سبع ارضین،ما یری عالم منهم‏ ان الله عز و جل عالما غیرهم و انا الحجة علیهم‏22.»

که از این دو حدیث تکرر عوالم هستی و تعدد جهان‏های‏ امکانی و نیز انسانی اعم از عوالم پیش از دنیا،دنیا و عقبی‏ و ما فیهن از اصناف و انواع مخلوقات،به صراحت معلوم‏ می‏شود.

3-و نیز در«تفسیر عیاشی»از محمد بن ملم منقول‏ است که؛؛از امام صادق(ع)درباره

«و لقد آتیناک سبعا من‏ المثانی و القرآن العظیم»

(حجر/87)پرسیدم،فرمود؛... و الحمد لله رب العالمین،دعای اهل بهشت است،هنگامیکه خدا را به حسن پاداش،سپاسگزار شدند...»23.نکته مستنبطه از این روایت آن است که مراد از«عالمین»در ترکیب«رب‏ العالمین»نمی‏تواند انحصار در ما فی هذا العالم و یا من فی‏ هذا العالم باشد،به دلیل فرمایش معصوم(ع)که«الحمد لله‏ رب العالمین»را از ادعیه بهشتیان عالم اخری می‏دانند.

در پایان،یادآور می‏شوم که پیشنهاد«ترجمه جمعی»و «استمرار در نقادی علمی ترجمه‏ها»نه پیشنهاد حقیر،بلکه‏ پیشنهاد«وضع موجود»است؛چنان که هرروز ضرورت آن‏ محسوس‏تر می‏شود.«و الحمد الله رب العالمین»

پی‏نوشت‏ها:

(1)-امید مجد،ترجمه منظوم قرآن مجید،آیه 26 سوره جاثیه،تهران، کتیبه.

(2)-عبد الکریم بی‏آزار شیرازی،قرآن ناطق،1/45-44،تهران،دفتر نشر فرهنگ اسلامی،به نقل از:مناهج التفسیر فی شبه القاره،مجله التوحید، س 2،ش 9،1304 هـ.ص 216.

(3)-»«بسم الله الرحمن الرحیم»را«به نام یزدان بخشاینده»ترجمه کرده‏ بود،ر.ک:محمود رامیار،تاریخ قرآن،ص 653،تهران،امیر کبیر.

(4)-محمد عبد العظیم زرقانی،مناهل العرفان فی علوم القرآن،2/55 و 56،مصر،دار احیاء التراث العربی.

(5)-ر.ک:فرید و جدی،الادله العلمیه علی جواز ترجمة معانی القرآن الی‏ اللغات الاجنبیة،قاهره،1355 هـ.و نیز:علمای الازهر،بحث فی ترجمات‏ القرآن الکریم و احکامها،مجله الازهر،ج 7،شماره 1،1936 م.

(6 و 7)-فصلنامه بینات،شماره 27،پائیز 79،مقاله«نگاهی به برخی‏ ترجمه‏های قرآن کریم».

(8)-ابو جعفر محمد بن حسن طوسی،التبیان،1/32،بیروت،دار احیاء التراث العربی.

(9)-سید علی الکر قرشی،قاموس قرآن،5.34 و 35،تهران،نشر فرهنگ‏ مشرق.

(10)-بهاء الدین خرمشاهی،قرآن‏پژوهی،ص 407،تهران،نشر فرهنگ‏ مشرق.

(11)-بهاء الدین خرمشاهی،قرآن‏پژوهی،ص 403،به نقل از:مقدمه‏ ترجمه قرآن کریم به قلم جلال الدین فارسی(تهران،انجام کتاب،1369 ش).

(12)-بهاء الدین خرمشاهی،قرآن‏پژوهی،ص 405،تهران.

(13)-بهاء الدین خرمشاهی،قرآن‏پژوهی،ص 407.

(14)-عبد الله جوادی آملی،تسنیم تفسیر قرآن کریم،1/333،قم،نشر اسراء.

(15)-مهدی الهی قمشه‏ای،ترجمه قرآن مجید،آیه 36/جاثیه،تهران، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت.

(16)-امید مجد،ترجمه منظوم قرآن مجید،آیه 36 سوره جاثیه.

(17)-عبد الله جوادی آملی،تسنیم تفسیر قرآن کریم،1/375 و 376.

(18)-عبد الکریم بی‏آزار شیرازی،قرآن ناطق،1/569،تهران،نشر فرهنگ‏ اسلامی.

(19)-عبد الله جوادی آملی،تسنیم تفسیر قرآن کریم،1/333.

(20)-عبد الله جوادی آملی،تسنیم تفسیر قرآن کریم،1/333.

(21 و 22)-عبد علی بن جمع العروسی الحویزی،نور الثقلین،1/16،قم، المطبعة العلمیة الاسلامیه.

(23)-محمد بن معسود العیاشی،کتاب التفسیر،ترجمه از 1/22؛تهران، المکتبة العلمیة الاسلامیه.